



An Integrated Functional Model for Stakeholders in Neighborhood-Oriented Security

Shahram Madani¹✉, Ali Ebadinzehad² Masoud Morshedi³

1. (Corresponding Author) *Department of Crime prevention, Security Sciences and Social Studies Research Institute, Tehran, Iran*

Email: hellofirst@gmail.com

2. *Department of Geography, Amin university, Tehran, Iran*

Email: sa.ebadinzehad@yahoo.com

3. *Department of Crime prevention, Amin university, Tehran, Iran*

Email: massuodmorshedy@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Paper

Received:

28 July 2024

Received in revised form:

30 September 2024

Accepted:

12 November 2024

Available online:

25 December 2024

Keywords:

Security,
Neighborhood-Based,
Security Stakeholders,
Functional Integration.

ABSTRACT

Background and Aim: Amidst rapid socio-technical and spatial transformations, revisiting security strategies—particularly at the neighborhood level—has become imperative. As the foundational unit of social organization, the neighborhood plays a critical role in ensuring sustainable security. The "neighborhood-based security" approach, which emphasizes participation and synergy among multiple stakeholders, is increasingly viewed as a pillar of public security. This study aims to formulate a model for the functional integration of key actors involved in local security governance.

Methodology: This research employs a qualitative methodology based on conventional content analysis and is classified as applied in nature. The study sample consists of 15 experts and scholars in the fields of policing and social sciences, selected purposefully until theoretical saturation was reached. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using MAXQDA 2020 software. Validity and reliability were confirmed through face validity and replicability techniques.

Results: The analysis led to the identification of four essential dimensions for the integration of local security actors: Integrated Local Services, Integrated Urban (Local) Operations, Integrated Local Interactions, and Integrated Local Information.

Conclusion: Strengthening these four dimensions fosters greater public participation, enhances social cohesion and a sense of belonging, reduces risk factors, and empowers residents—especially vulnerable groups. Collectively, these outcomes contribute significantly to improving neighborhood quality of life and advancing sustainable urban development.

Citation: Madani, Sh., Ebadinzehad, A & Morshedi M. (2024). An Integrated Functional Model for Stakeholders in Neighborhood-Oriented Security. *Journal of Police Geography*, 12 (47), 73-91.
<http://doi.org/10.22034/pogra.2025.1283077.1546>



© The Author(s)

Publisher: Security Sciences and Social Studies Research Institute, NAJA.

This is an open access article under the CC BY NC license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



الگوی یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور

شهرام مدنی^۱✉، سید علی عبادی نژاد^۲، مسعود مرشدی^۳۱- گروه انتظامی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران. رایانامه: hellofirst@gmail.com۲- نویسنده مسئول، گروه جغرافیا، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران. رایانامه: sa.ebadinzhad@yahoo.com۳- گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: massuodmorshedy@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵ واژگان کلیدی: امنیت، محله محور، بازیگران، یکپارچه‌سازی	زمینه و هدف: در پی تحولات گسترده در عرصه‌های اجتماعی، فناورانه و کالبدی، بازاندیشی در سازوکارهای تأمین امنیت به‌ویژه در سطوح محلی، ضرورتی اساسی یافته است. محله، به‌عنوان کوچک‌ترین و درعین‌حال بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری امنیت پایدار ایفا می‌کند. رویکرد «امنیت محله‌محور» با تأکید بر مشارکت و هم‌افزایی کنشگران متعدد، به‌عنوان زیرساخت امنیت عمومی مطرح شده است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین الگوی یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران فعال در حوزه امنیت محلی است. روش پژوهش: حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوای عرفی انجام شده و از حیث هدف، کاربردی است. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۵ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های انتظامی و اجتماعی هستند که با روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت و داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA 2020 تحلیل شدند. اعتبار و پایایی نیز به‌صورت صوری و از طریق تکرارپذیری تأیید گردید. یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی چهار بُعد کلیدی در یکپارچه‌سازی کارکرد کنشگران امنیت محله‌محور شد: «خدمات محلی یکپارچه»، «عملیات شهری یکپارچه»، «تعاملات اجتماعی یکپارچه» و «اطلاعات محلی یکپارچه». نتیجه‌گیری: تقویت ابعاد چهارگانه فوق، با افزایش مشارکت مردمی، ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش عوامل خطرزا، توانمندسازی ساکنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، به بهبود کیفیت زندگی شهری و تحقق توسعه پایدار در سطح محله و سکونتگاه‌های شهری منجر می‌شود.

استناد: مدنی، شهرام؛ عبادی نژاد، سید علی و مرشدی، مسعود. (۱۴۰۳). الگوی یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور.

مجله پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، ۱۲ (۴۸)، ۷۳-۹۱.

<http://doi.org/10.22034/pogra.2025.1283077.1546>

مقدمه

مفهوم امنیت، حوزه‌های مختلفی اعم از امنیت جسمی، روانی، شغلی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی را در برمی‌گیرد. به‌طوری‌که نیاز به امنیت، فارغ از بعد زمان و مکان، یکی از مهم‌ترین نیازهای هر انسانی بوده و در نظریه مازلو^۱ پس از رفع نیازهای جسمانی و زیستی اولیه، در مرتبه بعدی قرار گرفته و آن حالتی است که قاطبه اعضای گروه یا جامعه، طی آن، خود را فارغ از هرگونه تهدید یا در معرض خطر بودن احساس کنند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴). بدیهی است؛ اولین لایه‌های امنیت را گروه‌های کوچک انسانی در غالب همزیستی مسالمت‌آمیز در یک محیط جغرافیایی معینی به نام محله پایه‌گذاری نموده‌اند، به‌طوری‌که از امنیت محلات به‌عنوان سنگ بنای امنیت عمومی یاد می‌شود که ترکیب از مناسبات متنوع، همسایگی و پیوندهای اجتماعی تشکیل گردیده است. به عبارتی محله به‌عنوان کوچک‌ترین واحد شهری، نخستین جایی است که افراد بعد از خانواده در وارد آن می‌شوند و برخورداری از یک حوزه جغرافیایی معین، پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچکی از مردم با ایجاد وابستگی اجتماعی میان آنان، از شرایط لازم برای ایجاد یک محله می‌باشد (منصوری، ۱۴۰۱: ۳). بنابراین در ساده‌ترین مفهوم، محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود؛ که حاصل تجمع، پیوستگی، معاشرت و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم است (شکویی، ۱۳۹۹: ۴۵). لیکن در عصر کنونی، تغییرات پُرشتاب و مداوم در مؤلفه‌های اساسی و ساختار کالبدی محیطی محلات، در کنار مسائلی همچون افزایش سطح تراکم جمعیتی، گسترش فضای گمنامی، ظهور و ورود بازیگران متعدد و سیاست‌های نوین توسعه شهری باعث شده است؛ امنیت محله محور بیش‌ازپیش موردتوجه مسئولین مدیریت شهری، بخصوص در حوزه‌های امنیتی انتظامی قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش که بر پایه یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محوری شکل گرفته، به دنبال شناسایی مهم‌ترین ابعاد این حوزه هستیم.

مهم‌ترین عنصری که باعث شکل‌گیری جامعه محلی می‌شود، ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن است که به‌طور عمده در پیوند با مکان شکل می‌گیرد. لیکن با دگرگونی و تغییرات اساسی در ساختار شهرها و نیز دگرگونی در بافت محلات که اغلب از حالت افقی و گسترده سنتی به حالت عمودی متراکم تغییر شکل داده‌اند؛ بازتعریف مفهوم محله از منظر انتظامی با امان نظر به ظهور بازیگران متعدد و ابعاد عینی (کالبدی- عملکردی)، ذهنی (ادراکی)، اقتصادی و اجتماعی- نهادی محلات، امری بدیهی جلوه می‌نماید؛ که لازم است پلیس در آمایش سرزمینی، قطعه‌بندی و تقسیم‌بندی حوزه استحفاظی کلانتری و پاسگاه‌ها و نیز سایر رده‌های اجرایی خود، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اساسی جمعیت، جغرافیا و جرم به آن توجه نماید. در این راستا اجرای طرح امنیت محله محور از جمله رویکردهای جدیدی است که پلیس با اذعان بر آن، به‌جای تأکید بر نقش و کارکرد دولتی و قانونی خود، بر موقعیت و جایگاه مدنی و انسانی، به‌عنوان یک نیروی خدمتگذار و پاسخگو تمرکز دارد و به‌جای اینکه با مردم و جامعه محلی ارتباطی خشک و قانونی داشته باشد، خود را به‌عنوان یک عضو تأثیرگذار در محله معرفی و با برقراری ارتباط مستمر با ساکنان محلی و اعتمادسازی، سعی دارد؛ علاوه بر مهار و کاهش جرائم، در مسیر کاهش نگرانی مردم محله از بزه دیده واقع‌شدن و تعدیل احساس ناامنی شهروندان تلاش نماید (درویشی و میرزاخانی، ۱۳۹۴: ۲۴۰). در این چارچوب، توجه به‌نظام تقسیماتی خرد، ملاک عمل بوده و محله در کانون آن قرار می‌گیرد که امروزه تقریباً در همه جای دنیا، نهادی به نام محله و ارتباطات میان محله‌ای، از اهمیت اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای برای پلیس و دولت‌ها برخوردار است. مضاف بر اینکه، تجربه اغتشاشات سال‌های اخیر در کشور، بیانگر این است که در اغلب موارد، کانون اغتشاشات و تجمعات محل نظم و امنیت از دل محلات شکل گرفته و به مراکز و

سایر فضاهای شهری گسترش پیدا کرده است. همچنین تجربه مدیریت بحران‌های اجتماعی، اغلب مبین خاتمه دامنه بی‌نظمی‌ها و پیامدهای آن، عمدتاً با همکاری، کنش یا واکنش بازیگران محلی امنیت، ترمیم و بازسازی کانون‌های ضد امنیتی در دل محلات می‌باشد. بدیهی است؛ این امر تا حد زیادی مستلزم عملکرد یکپارچه کارکرد بازیگران ذی مدخل در حوزه محلات و همگرایی فکری و عملی آن‌ها بوده و حصول نتیجه مطلوب برآیند اقدامات هماهنگ این بازیگران می‌باشد. لیکن علیرغم اهمیت این موضوع، برخی غفلت‌ها در این حوزه به ایجاد تفاوت‌های معنادار با وضعیت مطلوب در میزان سطح همبستگی اجتماعی از جنبه‌های مختلف منجر شده است؛ که ضرورت پرداختن به بازیگران تأثیرگذار در حوزه محلات و یکپارچه‌سازی کارکرد آن‌ها را بیشتر متبادر می‌سازد. به‌طوری‌که عدم توجه به یکپارچه‌سازی کارکرد این بازیگران به موازی کاری و تداخل در ایفای نقش‌ها، گسست روابط و افزایش شکاف اجتماعی، اتلاف یا هدر رفت منابع محلی دامن زده و ضمن اشاعه نارضایتی به کاهش تعلق‌خاطر، کاهش بسترهای مشارکت، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، افزایش بی‌نظمی و نقض هنجارهای اجتماعی، قانون‌گریزی و نافرمانی‌های مدنی سبب می‌شود. لیکن در نقطه مقابل، همگرایی و هم‌افزایی بین بازیگران ذی مدخل می‌تواند آن‌ها را در ایفا و اجرای هر چه بهتر نقش و وظایف اجتماعی خودیاری نماید که بسیار حائز اهمیت است. فلذا مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه: الگوی یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور کدام‌ها هستند؟

با بررسی پیشینه‌ها، پژوهشی که در آن به‌طور مستقیم به موضوع یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور پرداخته شده باشد؛ یافت نشد. لیکن به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط با این حوزه به شرح ذیل اشاره می‌گردد:

- ایلاقی حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بازتعریف مفهوم محله ایرانی در بافت‌های تازه توسعه‌یافته شهری مبتنی بر نظریه‌های داده بنیاد»، نتیجه گرفته‌اند: مهم‌ترین ابعاد در بازتعریف محلات شامل ۴ بعد عینی (کالبدی- عملکردی)، ذهنی (ادراکی)، اقتصادی و بعد اجتماعی- نهادی است. همچنین با ارتباط متقابل ۷ کد محوری تنوع و کیفیت خدمات شهری، لبه و مرز محله، ایمنی و امنیت خاطر، معیشت و موقعیت اقتصادی محله، منزلت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و حس تعلق و وابستگی به مکان با ۳ کد گزینشی تداوم و پیوستگی کارکردی- فضایی، تحرک اقتصادی- اجتماعی و انسجام اجتماعی- نهادی، وابستگی مکانی، می‌توان به تعریف تازه‌ای از محله دست‌یافت.

- اربابی و علیجانی (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «تبیین جایگاه مدیریت یکپارچه شهری در تحقق مؤلفه‌های حکمروایی خوب»، به این نتیجه رسیده‌اند که: چالش اداره شهرها به‌واسطه گسترش شهرنشینی و گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری، نسبت به گذشته بیشتر شده است؛ که این خود، لزوم تغییر در نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی را انکارناپذیر می‌کند. تحقق مدیریت یکپارچه، بستری را فراهم می‌کند؛ که یک برنامه‌ریز و مدیر شهر با حداقل چالش، روند حل مسائل شهری را به‌پیش ببرد.

- صدر ارحامی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه حس تعلق به محله و افزایش سرمایه اجتماعی محله محور در پیشگیری از جرم- مورد مطالعه محله زینیه شهر اصفهان»، به این یافته دست پیدا کرده‌اند که: اثر دوگانه حس تعلق به محله، هم‌زمان هم بر سرمایه اجتماعی محله محور و هم بر پیشگیری از جرم معنادار است.

- قربانی و رضایی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی افزایش امنیت محله با هوشمندسازی و اولویت‌بندی شاخص‌های آن بر اساس ادراک ساکنین محله سنگلج تهران از حمل‌ونقل»، به این نتیجه رسیده‌اند که: بررسی متغیرهای دسترسی به پارکینگ، دسترسی به معابر شهری، دسترسی به شبکه مسیرهای اتوبوس، دسترسی به مترو، دسترسی به ایستگاه‌های تاکسی و دسترسی به مناطق پیاده‌روی، این نکته مهم را تأیید می‌کند که وجود این امکانات و

شاخص‌ها در سطح محله توانسته به کاهش برخی جرائم و همچنین بهبود امنیت کمک کند. علاوه بر این، تقویت سامانه‌های حمل‌ونقل هوشمند در بهبود امنیت محله مؤثر است.

- پور زرگر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بازتاب مداخله کالبدی بر شکل‌گیری بی‌سازمانی اجتماعی در پهنه تاریخی شهر تهران نمونه موردی: محله هرندي»، به این یافته دست پیدا کرده‌اند که: مداخله کالبدی بدون شناخت در محله‌های تاریخی شهر تهران، تأثیری بنیادین بر سازمان فضایی محله خواهد داشت و حاصل آن مهاجرت درون‌شهری، بی‌سازمانی اجتماعی، فقدان هویت و حذف تعلق‌خاطر خواهد بود که عامل افزایش جرم و آسیب‌های اجتماعی است. ایجاد ناهنجاری در محله هرندي از دیدگاه معماری (معضلات کالبدی)، شهرسازی (شکل‌گیری فضای بی‌دفاع شهری) و اجتماعی (آسیب‌های اجتماعی) از جمله آن‌هاست.

- سرور و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «ظرفیت شناسی تحقق‌پذیری مدیریت یکپارچه شهری با رویکرد آینده‌نگاری - مطالعه موردی کلان‌شهر تهران»، عنوان داشته‌اند: مدیریت یکپارچه شهری جهت ایجاد هماهنگی میان تلاش‌ها در سطوح مختلف یک ضرورت انکارناپذیر است. در این تحقیق با بهره‌برداری از ۲۴ شاخص در ۴ مؤلفه (دانش و اطلاعات، آموزش و پرورش، مشارکت مردم و شهروندان، مدیریت) نتایج نشان داده است که وضعیت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر تهران در وضعیت مناسبی قرار نداشته است.

- ذبیحی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین چارچوب مفهومی حکمروایی خوب شهری مبتنی بر مدیریت یکپارچه شهری - نمونه موردی کلان‌شهر تهران»، به این یافته دست پیدا کرده‌اند که: حکمرانی خوب شهری به توسعه شهری پایدار کمک می‌کند و جامعه مدنی، بخش خصوصی و سایر فعالان را نیز وارد فرایند سیاسی می‌کند. اصلی‌ترین شاخص‌های دخیل در امر حکمروایی خوب با توجه به دیدگاه یکپارچه‌سازی، ۱۳ مورد شده است که شامل: برنامه‌ریزی و چشم‌انداز، مشارکت، خدمات‌رسانی، اثربخشی، شفافیت، ظرفیت مدنی، اقتصاد کارآمد، مشروعیت و بروکراسی، پاسخگویی، امنیت، برابری، ارتباط، پایداری می‌باشد.

- سرور و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «سنجش عوامل مؤثر در پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه شهری در کلان‌شهر تهران»، به این نتیجه رسیده‌اند که: با توجه به اینکه مدیریت کلان‌شهر تهران، در عرصه‌های مختلف فعالیت، توسط نهادهای مختلف صورت می‌گیرد که موجب تشتت و موازی کاری در این زمینه گردیده و مشکلات کنونی مدیریت این کلان‌شهر را موجب گردیده است. به نظر می‌رسد برای بهبود وضعیت فعلی بایستی فعالیت‌ها و وظایف مدیریت شهر که در حال حاضر بین اجزای مختلف این سیستم به صورت ناهمگون توزیع گردیده و به عدم یکپارچگی و تفرق عملکردی منجر می‌گردد، به صورت هدفمند و با برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی مؤثر، به نهادها تفویض گردد تا از تفرق و چندپارگی در این زمینه‌ها جلوگیری گردد.

- صابر نظر آقا (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر پیشگیری انتظامی محله محور در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی - مورد مطالعه: سر کلاتری هفتم پلیس پیشگیری تهران بزرگ»، به این نتیجه رسیده است که: پیشگیری انتظامی محله محور نقش مثبت و مؤثری در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان داشته و بیانگر آن است که بهره‌گیری از اقدامات آموزشی، اقدامات پیشگیرانه کنترلی و اقدامات پیشگیرانه مشارکتی متقابل مردم و پلیس در کنار برخی از برنامه‌های اجرا شده مانند جذب پلیس افتخاری محله، افزایش گشت پیاده به طور منظم، گشت خودرویی، برنامه‌های آموزشی برای جوانان و خدمات پشتیبانی از قربانیان جرائم (مشاوره)، نقش مهمی در بهبود احساس امنیت اجتماعی شهروندان در محلات ۱۲ و ۱۶ شهرداری تهران داشته است.

-سامپسون^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «تئوری کارآمدی جمعی محلات»، با اشاره به ویژگی فیزیکی و اجتماعی محلات، نتیجه‌گیری نموده‌اند که: فرایندهای اجتماعی در سطح محلات به‌طور قابل‌توجهی بر نتایجی مانند نرخ جرم و سلامت عمومی تأثیرگذار است. بنابراین بر ردیابی تغییرات محلی در طول زمان و ارزیابی تأثیر مداخلات آن‌ها نیز باید توجه داشت.

- رابرتسون^۲ (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «یکپارچگی و ادغام خدمات مراقبتی و اجتماعی در اسکاتلند»، عنوان نموده‌اند: به‌طور کلی، یکپارچگی خدمات به‌عنوان راهی برای کاهش هزینه‌ها، استفاده بهینه از منابع و دستیابی افراد به نتایج بهتر در نظر گرفته می‌شود؛ که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت یکپارچگی شامل: ارزش‌های مشترک، هماهنگی خدمات، همکاری میان رشته‌های مختلف، انسجام قوانین و سیاست‌ها در سطح سازمانی می‌باشد. همچنین چهار دسته از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و موانع یکپارچگی خدمات در اسکاتلند نیز عبارت‌اند از: مسائل سازمانی، مسائل مالی، عوامل مربوط به مردم و روابط، مسائل سیاسی.

- مدیروسی و زیوت^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی و حکمروایی شهری پایدار و یکپارچه در کلان‌شهرها و شهرهای متوسط»، نشان دادند که: استراتژی‌های یکپارچه برای توسعه پایدار شهری، انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی استراتژیک پایدار ایجاد می‌کند؛ اما می‌تواند به‌ویژه از طریق مشارکت فعال شهروندان و ذی‌نفعان در تدوین و اجرای این استراتژی‌های یکپارچه برای توسعه پایدار شهری تقویت شود.

- مولیجیویچ^۴ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «برنامه‌ریزی یکپارچه در تئوری و عمل»، با مطالعه در مورد توسعه رویکرد یکپارچه به برنامه‌ریزی نتیجه‌گیری نموده‌اند که: همگام با توسعه اقتصادی - اجتماعی و افزایش آگاهی مردم از نیاز به ایجاد محیط‌های پایدار و تاب آور که بالاترین اهداف توسعه را در سطح جهانی، منطقه‌ای ارائه می‌دهد؛ رویکرد یکپارچه‌سازی در مدیریت و برنامه‌ریزی نیز تکامل می‌یابد.

ای کلاسون^۵ و همکارانش (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت عنوان «رهنمودی درباره نمای کلی نظام مدیریت یکپارچه»، پس از مطالعات نظری - تحلیلی، مدل پیشنهادی شورا -مدیر شهر (مدیریت یکپارچه) را ارائه نموده‌اند.

در جمع‌بندی مباحث و مرور پیشینه‌ها می‌توان برداشت کرد، پژوهش‌های مختلفی در حوزه امنیت محله محور و نیز یکپارچه‌سازی فرایندها صورت گرفته که مبین تأثیر مثبت آن در زمینه‌های متعدد است. لذا طراحی محیطی مناسب، یکپارچه‌سازی و توسعه خدمات، سامان‌دهی فضاهای قابل دفاع، تقویت دسترسی‌ها، به بهبود امنیت کمک می‌نماید. همچنین با توجه به تغییرات اساسی در ساختار محله‌های امروزی و افزایش تراکم که اغلب از حالت افقی و گسترده سنتی به حالت عمودی متراکم تغییر شکل داده‌اند؛ بازتعریف مفهوم محله از منظر انتظامی با ابعاد ۴ بعد: عینی، ذهنی، اقتصادی و بعد اجتماعی - نهادی محلات، امری بدیهی جلوه می‌نماید و لازم است پلیس در پایش جرائم، قطعه‌بندی و تقسیم حوزه استحفاظی کلانتری و پاسگاه‌ها و نیز سایر رده‌های اجرایی خود به آن توجه نماید. لیکن وجه تمایز این تحقیق با پژوهش‌های قبلی، پرداختن به ابعاد یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور است که جنبه نوآورانه بودن آن را بیشتر جلوه می‌کند.

مبانی نظری

طی دهه‌های اخیر، مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها؛ به‌ویژه مهاجرت به کلان‌شهرها، باعث تحول و دگرگونی عظیمی در ساختار فضایی محلات شهری شده و منجر به شکل‌گیری محلات با تنوع گروهی، قومی و فرهنگی گردیده است؛ که پایداری اجتماعات محلی را با مشکل مواجه و پلیس را نیز در برقراری نظم و امنیت با چالش مواجه ساخته است. به‌طوری‌که حس رو به رشد ناامنی در محلات و رنج و زحمت یکی از اولین دلایلی است که سرزندگی و زیست‌پذیری (قابلیت حیات) این حوزه‌ها را دچار فرسایش می‌نماید (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: ۱۷). بنابراین لازم است قبل از تفکر درباره هر چیز دیگری، ابتدا درباره چگونگی بقاء و تأمین امنیت اندیشه شود (بوزان^۱، ۱۳۷۸: ۱۳). چراکه انسان‌ها با زیستن در جامعه، ضمن اینکه در فرایند اجتماعی شدن قرار می‌گیرند؛ در خلال آن رفتارهای قابل‌قبول و نیز غیرقابل‌قبولی را در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف، جهت نیل به مقصود خود می‌آموزند (فونتانا^۲، ۱۳۸۹: ۲۷). طبق نظریه ناپه‌نجاری مرتن^۳، افراد در رویارویی با مسیر دستیابی به اهداف خود و استفاده از ابزارهای تأییدشده اجتماعی ممکن است پنج شیوه متفاوت از خود بروز دهند: ۱. همگرایی یا انطباق؛ ۲. ابداع یا نوآوری؛ ۳. مناسک‌گرایی؛ ۴. عقب‌نشینی یا انزوا؛ ۵. طغیان و شورش (ویلیامز و مک‌شین^۴، ۱۳۹۳: ۱۵۰). بنابراین اگر بین «اهداف اجتماعی» و «در دسترس بودن ابزارهای مقبول اجتماعی» جهت رسیدن به آن اهداف، شکاف عمیقی وجود داشته باشد، کج‌رفتاری شکل گرفته و نظم و امنیت جامعه و محله به هم می‌خورد؛ که حاصل آن وضعیت خاص، بی‌سازمانی اجتماعی است (سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۶). بدین‌سان اهمیت نظارت اجتماعی در محله به‌عنوان شیوه‌ای تکمیل‌کننده در فرایند جامعه‌پذیر شدن افراد و برقراری نظم و امنیت بیشتر نمایان می‌شود؛ که با استفاده از مکانیسم‌های رسمی و غیررسمی در اجتماعی شدن افراد و تطبیق رفتار آن‌ها با هنجارها و ارزش‌های موردپذیرش جامعه تلاش دارد و نظارت پلیس بر محلات (مبتنی بر ابعاد سرمایه اجتماعی)، از جمله آن مکانیسم‌ها است؛ که بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۵ و نظریه پنجره‌های شکسته ویلسون و کلینگ^۶ قابل‌تحلیل می‌باشد. بنابراین هرچقدر پلیس و سایر بازیگران حوزه محلات بتوانند با هم‌افزایی و جلب مشارکت، در راستای افزایش سرمایه‌های اجتماعی خود گام بردارند؛ پیوستگی آن‌ها با جامعه افزایش و در نتیجه با رسیدگی به هنگام و حل‌وفصل سریع مشکلات و مسائل، به موفقیت برنامه‌های توسعه محلات و نیز پیشگیری از جرائم و عدم بالفعل شدن افکار مجرمانه در افراد نیز کمک می‌کنند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۹۳). نکته قابل‌تأمل، تمرکز بیشتر پلیس به کنترل‌های غیررسمی از طریق مشارکت بازیگران تأثیرگذار محلی با تکیه بر قابلیت‌های امنیت‌افزایی آنان، به‌جای استفاده از زور و قدرت در راستای برقراری نظم و امنیت محلات است؛ تا بتواند از این طریق نقاط چالش‌برانگیز امنیت را شناسایی و در جهت ترمیم، کاهش و جلوگیری از گسترش آن‌ها اقدام و رفتار عمومی را قاعده‌مند نماید (رضائی، ۱۳۹۵: ۸۲). چراکه، پلیس به‌عنوان یکی از بازیگران حوزه امنیتی در راستای پاسخ به یک نیاز اساسی یعنی حفظ امنیت اجتماعی ایجادشده است. این سازمان به‌عنوان نماد اقتدار و منزلت خرده نظام سیاسی در افکار عمومی؛ از یک‌سو تنها نیروی مشروع اجبار کننده بوده و از سوی دیگر، از جمله سازمان‌های مدنی واسطه محسوب می‌شود که در حفاصل حکومت و شهروندان قرار می‌گیرد. فلذا همواره ناگزیر از برقراری تعادل میان تأمین مقتدرانه نظم و امنیت اجتماعی و مشارکت مدنی، مبتنی بر سه دلیل اصلی اقامه‌شده برای جلب مشارکت اجتماعی مردم است: نخست اینکه با مشارکت دادن مردم

1. Buzan
2. Fontana
3. Merton
4. Williams & McShane
5. Hirschi
6. Wilson & Kling

در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها، بخصوص در حوزه امنیت محله محوری، اعضای جامعه درمی‌یابند؛ بیشتر افراد نظام اجتماعی، مایل به پذیرش تصمیم‌های امنیت‌زا هستند. این مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ضمن اینکه فرد را از میزان تعهد و توافق جامعه محلی آگاه کرده و بر اعتماد آن‌ها می‌افزاید؛ وابستگی افراد را به گروهی که در آن مشارکت دارد، بیشتر می‌کند. همچنین اگر جامعه محلی، از پشتیبانی دیگران (بازیگران حوزه محله) در مورد تصمیم‌های متخذه آگاه باشند؛ احتمال رضایت‌مندی نیز بالا می‌رود. دوم اینکه، تصمیم‌گیری برای رد یا پذیرش یک طرح مرتبط با نیازهای اجتماعی، مانند آموزش نوجوانان در خصوص عدم مراوده با افراد مشکوک و یا جمع‌آوری معتادین از داخل محله‌ها، زمانی موفق خواهد بود که بازیگران حوزه محله بخصوص معتمدین در اتخاذ تصمیم‌ها سهیم بوده باشند. کما اینکه در بیشتر موارد انتظار می‌رود؛ اعضای نظام اجتماعی در محلات، حتی بهتر از پلیس و سایر مسئولان اجتماعی محله، توان شناخت نیازهای اجتماعی خود را داشته باشند. و بالاخره اینکه مشارکت گسترده کنشگران اجتماعی علاوه بر آنکه به رهبران افکار و مسئولان امنیتی و انتظامی این فرصت را می‌دهد؛ تا نقش عمده‌تری در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند؛ پایمردی و اصرار آنان را در اجرای تصمیمات جمعی بیشتر نموده و رضایت‌مندی گروه‌های درگیر در مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد (کوویت^۱ و همکاران، ۱۴۰۰: ۳). بنابراین اگر پلیس بتواند با شناسایی بازیگران محلی اعم از مردم، معتمدین، سازمان‌ها و دستگاه‌های خدمات رسان ذی مدخل و ... بر مبنای قابلیت‌ها و کارکردها، آنان را در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های امنیت‌زا دخالت دهد؛ نه تنها تفکر و عمل کنشگران اجتماعی به‌سوی پلیس تغییر می‌کند؛ بلکه این تغییر در طول زمان تداوم بیشتری نیز می‌یابد (تداومی که بر افزایش میزان تعهد اجتماعی افراد جامعه می‌افزاید). علاوه بر اینکه، چنانچه در مشارکت اجتماعی مردم با پلیس در امورات محله، تبیین‌های غایت جویانه را کنار نهمیم، کارکردهای آشکار و پنهان زیادی هویدا می‌شود؛ که از جمله آن‌ها؛ افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش میزان تعهد و اعتماد اجتماعی، قبول مسئولیت و انجام کارهای گروهی، افزایش امنیت و احساس امنیت، افزایش مقبولیت پلیس و تعاملات اجتماعی با مردم می‌باشد (فیالکوف^۲، ۱۳۸۹: ۳۸). بنابراین، حصول نتیجه مطلوب در رویکرد امنیت محله محوری، مستلزم همگرایی و یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران اعم از بازیگران حقیقی و حقوقی در سطح محله است؛ تا متناسب با ظرفیت هر محله، الگوی معینی پیاده‌سازی و اجرا گردد؛ چراکه در عمل هر محله‌ای دارای چالش‌های خاص خود بوده و در نتیجه نمی‌توان برای همه محلات یک نسخه واحد پیچیده و شاهد عملکرد موفق در برنامه‌ریزی و تحقق اهداف امنیت محله محوری بود. گذشته از این، علائم جرم و بی‌نظمی، نقش ویژه‌ای بر استنباط‌های محلی از امنیت محله داشته و تأثیر جرم و جنایت و پیامدهای مرتبط با آن‌ها مانند بی‌نظمی، رفتار ضداجتماعی و ترس از جرم و جنایت در شکل‌دهی رفتار بازیگران حوزه امنیت محله محور؛ قابل‌مجادله نیست. به‌طوری‌که چهار موضوع مهم در بررسی روابط درونی و فی‌مابین بازیگران با امنیت محله و ناامنی آن عبارت‌اند از: جرم و جنایت، بی‌نظمی و آشفتگی، ترس از جرم و واکنش‌های کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی). نکته قابل‌تأمل اینکه، استراتژی‌های رسمی و در نظر گرفتن معیارهای سخت‌گیرانه درباره بی‌نظمی، همیشه تأثیر قابل‌توجهی بر روی جرم و جنایت یا ترس از جرم و جنایت (چه به‌صورت واحد یا حتی در زمانی که با دیگر مداخلات به‌کاربرده شده باشند)، نخواهند داشت (امینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳). این تفکر که سطوح بالای بی‌نظمی و جرم و جنایت، مردم را ترسو تر بار می‌آورد و جاذبه شهرها را برای زندگی، کار کردن یا بازدید از آن‌ها کاهش می‌دهد؛ از طریق مطالعات متعددی اثبات‌شده است. اگر مردم اعتقاد داشته باشند که حوزه محله خطرآفرین، پرخطر یا در حال افول است؛ این احتمال وجود دارد که عامه مردم هم به همین منوال عمل کنند. فلذا نیاز است مداخله‌ها در حوزه

1. Kowitt

2. Fiyalkof

امنیت محله محور به گونه‌ای طراحی شوند که تأثیر مثبتی بر روی استنباطها داشته باشند و در نتیجه نمی‌توان این کار را به شانس واگذار کرد. همچنین لازم است آن‌هایی که در مدیریت امنیت محله به عنوان بازیگر نقشی دارند؛ درباره روابط بین سازوکارهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی بی اندیشند. چراکه غالب پیشرفت‌های قابل تأیید در امنیت محله، به وجود مداخلات رسمی و غیررسمی کنترل بستگی دارد. بنابراین، رشد و توسعه آموزه‌های امنیت محله محوری تا حدود زیادی به سازگاری مداخلات بازیگران و نیازهای خاص هر منطقه همبستگی داشته و لازم است مسیرهایی که جرم، بی‌نظمی، ترس از جرم و کنترل اجتماعی بر امنیت محله اثر می‌گذارند نیز مورد تحلیل قرار گیرند (رجان^۱ و همکاران، ۱۴۰۱: ۷). برای درک بهتر این فرآیند و تغییرات محلات شهری، پرداختن به برخی مفاهیم مانند خطرپذیری، باز نمود ناامنی و بازیابی امنیت محلات، در حوزه تغییرات شهری و مرتبط با امنیت محلات، تحت عنوان **3 R**^۲ بسیار حائز اهمیت است که عبارت‌اند از:

۱. عوامل خطر^۳: اتفاقات و مشکلاتی هستند که امنیت محله را دچار تحلیل کرده و آن را کاهش دهند و این احتمال زوال و انحطاط جامعه را فراهم می‌سازند. جرم و جنایت و بی‌نظمی‌ها، در میان مهم‌ترین عوامل خطر مؤثر در محلات قرار دارند. چراکه جرم و بی‌نظمی می‌تواند امنیت محلات را دچار سایش نموده و در برخی مواقع امنیت آن را کاهش دهد، لیکن بروز و افول آن‌ها به زمینه محلات بستگی دارد (فونتانا، ۱۳۸۳: ۵۳).

۲. عوامل ارتجاع^۴: کیفیت و ظرفیت‌هایی است که وقتی حوزه‌ای در معرض خطر روبه زوال رفتن قرار دارد؛ آن را قادر می‌سازد تا در برابر چنین تهدیدهایی مقاومت کرده و خود را اصلاح و بازسازی کند. ارتجاع، امنیت را حفظ کرده و گسترش ناامنی فاسد کننده را متوقف می‌سازد. بنابراین هر چند جرم و جنایت و بی‌نظمی می‌تواند امنیت را دچار ضعف و فرسایش کرده و منجر به انحطاط برخی محل‌ها گردند. لیکن در برخی محل‌ها، این مسئله به خاطر وجود عوامل ارتجاع اتفاق نمی‌افتد (یانگ و راسل^۵، ۱۳۸۴: ۶۲۸).

۳. عوامل بازیابی و بهبود^۶: شرایط و ظرفیت‌هایی هستند که جوامع شهری را برای بهبود بخشیدن وضعیت خود، توانمند می‌سازد. سه مفهوم اصلی انعکاس صدا، تولید مشترک و علائم کنترلی رفتاری و محیطی - به عنوان بخشی از فرایند متمرکز تغییر برای ایجاد و بروز بهبودی اولیه شناخته شده است. برآیند الحاق این مفاهیم دربرگیرنده این است که، چگونه مداخلات اولیه پلیس می‌تواند بر دیگر بازیگران تأثیر گذاشته و رفتارها و اعتقادات آن‌ها را اصلاح نماید؛ تا از طریق کمک به جامعه محلی برای سازمان‌دهی و ساختاربندی کردن خود، به طور مشترک در تولید امنیت محله ایفای نقش کنند. همچنین عوامل بازنمود ناامنی در برخی محله‌ها آن‌ها را قادر می‌سازد؛ تا در برابر خطرات و تهدیدهایی که در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند؛ پایداری و مقاومت کنند. همچنین دادن قابلیت صدا و انعکاس به محلات، مرکز فرایندهایی است که تحت برنامه‌ها و سیاست‌های اطمینان آفرین توسط پلیس و بازیگران امنیت محله محور؛ به منظور تشخیص مسائل، اولویت‌بندی، اندیشیدن و عمل کردن به اولویت‌ها قابلیت پیاده‌سازی و اجرا دارد (شاج- پاینسلی^۷، ۱۳۹۸: ۳).

با امان نظر به موارد ممنوعه، یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور در راستای نیل به امنیت مطلوب و توسعه متوازن محلات از جنبه‌های مختلف بسیار حائز اهمیت است که به فرایند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی،

1. Rejaän

2. Risk factors& Resilience factors& Recovery factors

3. Risk factors

4. Resilience factors

5. Young & Russell

6. Recovery factors

7. Shach-Pinsly

رهبری و اعمال کنترل بر تلاش‌ها و فعالیت‌های بازیگران و نیز استفاده از منابع موجود و در دسترس برای نیل به اهداف اعلان‌شده از جمله توسعه محلات اطلاق می‌شود. بنابراین با مذاقه به این تعریف می‌توان گفت: یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور عبارت است از: ایجاد همگرایی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و اعمال کنترل در پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌ها، از طریق یکپارچه‌سازی فعالیت‌ها، اصلاح و بهبود روش‌ها، حذف یا ادغام فرایندهای موازی، به‌منظور تسهیل و تسریع در انجام خدمات محلی یکپارچه، عملیات شهری و محلی یکپارچه، تعامل محلی یکپارچه و نیز تکمیل زنجیره اطلاعات محلی در راستای توسعه محلات با اتکاء بر قابلیت‌ها و ظرفیت بازیگران. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ در شرایط کنونی، بازیگران متعددی در حوزه محلات قرار دارند که هرکدام از آن‌ها متناسب با ماهیت و ظرفیت‌های خود، در سطوح مختلف نقش داشته و فعالیت می‌نمایند. لیکن نکته قابل‌تأمل، دگرگونی در ساختار محلات است؛ که در موارد زیادی مرز مشخصی ندارد. لذا مبرهن است که توسعه پایدار شهری در سطح محلات، نیازمند برنامه‌ریزی و هماهنگی بالا و مدیریت یکپارچه کارکرد بازیگران ذی‌مدخل برای حصول نتیجه مطلوب می‌باشد که بعضاً به جهت فقدان وحدت مدیریتی ناشی از عدم یکپارچگی کارکردهای تعریف‌شده بازیگران در سطح محلات و نیز عدم تکمیل سیکل اطلاعاتی، هماهنگی کامل حاصل نشده و نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید. فلذا از این جهت ضرورت یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران در راستای توسعه پایدار بیش از پیش ملموس‌تر می‌شود. کما اینکه عبارت یکپارچه‌سازی صرف‌نظر از نوع سیستم، در متون علمی سابقه‌ای طولانی دارد (نعمتی شمس‌آباد و معینی، ۱۳۹۴: ۶۷۸).^۱ گرفتاری (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که سیستم مدیریت یکپارچه، فرصتی برای ایجاد یک ساختار مدیریت افقی میان کارکردی فراهم می‌نماید و روشی جهت رسیدگی به مسائل مختلف است. فلذا سیستم مدیریت یکپارچه به‌عنوان یک مجموعه واحد از فرایندهای به‌هم‌پیوسته که مجموعه منحصر به فردی از انسان، اطلاعات، مواد، زیرساخت‌ها و منابع مالی را به‌منظور دستیابی به اهداف چندوجهی مربوط به رضایت انواع گروه‌های ذینفع فراهم می‌آورد، تعریف‌شده است (Karapetrovic, 2003: 27). می‌توان گفت، در مدیریت یکپارچه، چندین بخش تحت یک ساختار مشترک برای آسان نمودن مستندسازی‌ها، تسهیل اصلاحات و هموار کردن مسیر برای هم‌افزایی‌ها، با یکدیگر منسجم و یکپارچه می‌شوند (آدرین^۲، ۲۰۱۵، ۳۷). از نظر ویکتوریا^۳ (۱۹۹۹) چهار مدل مفهومی در ادبیات یکپارچه‌سازی مطرح است که عبارت‌اند از: ۱. یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از ویژگی‌ها؛ ۲. یکپارچه‌سازی رابطه یا وابستگی؛ ۳. یکپارچه‌سازی برپایه مخزن اطلاعات برای به اشتراک‌گذاری داده‌ها؛ ۴. یکپارچه‌سازی چند سطحی با سه سطح فرایندها، سطح سرویس‌ها و سازوکارها (پاچمن و آلت^۴، ۲۰۰۴، ۳۰۱). از نظر هاسل برینگ^۵ (۲۰۰۰) مسئله یکپارچه‌سازی اطلاعات با ایجاد هماهنگی حل می‌شود. علاوه بر اینکه، یکپارچگی به میزان و درجه‌ای که بازیگران محلی به روشی هماهنگ و منسجم عمل می‌کنند اشاره داشته و از عوامل مهم موفقیت تلقی می‌گردد؛ که توجه به یکپارچگی و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها می‌تواند در کارایی بازیگران و تحقق اهداف نقش زیادی داشته باشد (نوروزی، ۱۳۸۹: ۴۳). فلذا شناسایی ابعاد یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران، دامنه مدیریت عملکرد یکپارچه را تعریف می‌کند و مدیریت یکپارچه عملکرد، زمانی "یکپارچه" است که مؤلفه‌های چارچوب مدیریت عملکرد هم‌زمان یکپارچه در نظر گرفته شوند (Buttkus & Eberenz, 2019: 35). همچنین به‌منظور تحقق یکپارچگی، شناسایی عوامل مؤثر بر یکپارچگی و تفرق ضروری است. عواملی اعم از: محیط،

1. Griffith

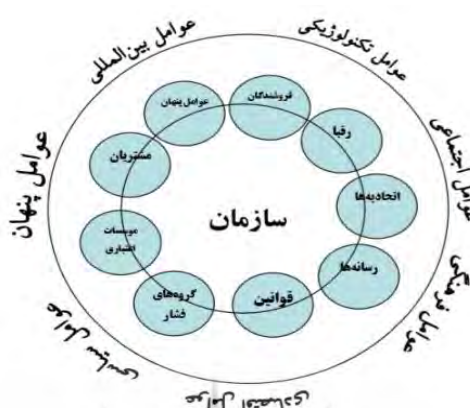
2. Adrin

3. Victoria

4. Puschman & Alt

5. Hasselbring

شبکه نهادها و سازمان‌های متعدد ذی‌ربط در مدیریت (اعضاء)، نظام و روابط قدرت بازیگران عرصه خدمات (فرآیند/ساختار)، بستر قوانین و مقررات موجود و همچنین زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اهداف از جمله عوامل مؤثر بر یکپارچگی است که بر اساس هر حوزه قابل‌تعمیم و تفسیر موضوعی است. همچنین اگر محیط یک محله را مانند محیط یک سازمان تصور کنیم؛ که کنش یا واکنش هر یک از بازیگران بر بخش دیگر تأثیر می‌گذارد؛ ناگزیر از شناخت این محیط و عوامل تأثیرگذار بر آن می‌باشیم.



شکل ۱. انواع محیط‌ها و محدوده آن‌ها (سلیمی دانشگر، ۱۳۸۳، ۱۵)

همچنین ادغام کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور می‌تواند به‌عنوان فرآیند به‌کارگیری هم‌زمان این کارکردها با وظیفه خاص تحت یک مدیریت یکپارچه ساده‌تر و اثربخش‌تر معرفی شود که شامل سه مرحله برنامه‌ریزی پیش از ادغام، ادغام و یکپارچه‌سازی پس از ادغام است (رهنورد، ۱۳۹۶: ۵۷۴).



شکل ۲. فرآیند ادغام سه مرحله‌ای (رهنورد، ۱۳۹۶: ۵۷۵)

نظریه‌ها در یکپارچه‌سازی کارکردها

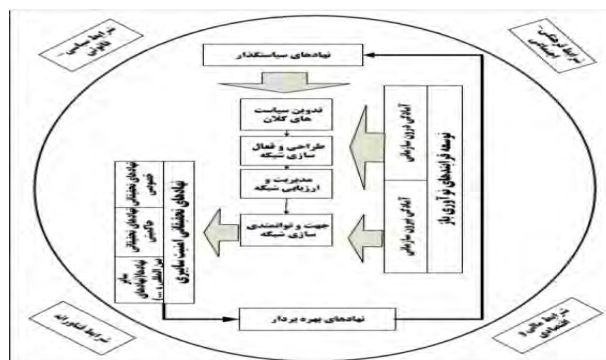
۱. رویکرد نگرش سیستمی:

تفکر سیستمی مبتنی بر کل‌گرایی، برای مقابله با ابعاد چندگانه و پیچیده مشکلات مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از کاربرد نگرش سیستمی در تحلیل هر پدیده‌ای، شناخت هر سیستم با کلیت و جامعیت و پیچیدگی و پویایی خاص خودش و آثار و انواع روابط متقابل میان اجزا و عوامل آن می‌باشد (اعتباریان خوراسگانی، ۱۳۸۰: ۴۴).

۲. رویکرد حکمرانی شبکه‌ای^۱:

بر اساس چارچوب حکمرانی شبکه‌ای، سیاست‌های عمومی تنها به‌وسیله دولت تدوین نمی‌شوند، بلکه شبکه‌ای از ارتباطات میان سیاستمداران، بوروکرات‌ها، شرکت‌های خصوصی، گروه‌های فشار و شهروندان تعیین‌کننده ماهیت آن‌ها هستند (Klijn & Koppenjan, 2000: 154). به‌طور کلی حکمرانی شبکه‌ای از طریق چهار روند اثرگذار شامل: ۱. رشد

روزافزون برون‌سپاری عمومی؛ ۲. شکل‌گیری دولت یکپارچه؛ ۳. انقلاب فناوری اطلاعات؛ ۴. تقاضای شهروندان، شکل بخش‌های دولتی را در سراسر عالم تغییر داده است (ایمانیان و منوریان، ۱۳۹۴: ۴).



شکل ۳. مدل حکمرانی شبکه‌ای بر اساس رویکرد خود ظهور برای مقوله‌های اصلی (قوچانی خراسانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰)

۳. پنجره واحد خدمات:

پنجره واحد، یک ورودی واحد برای ارائه خدمات دولتی در یک میدان موضوعی خاص یا برای یک هدف خاص و گروه هدف مشخص می‌باشد که با افزایش دسترسی برنامه‌ها و ارائه خدمات تطبیق یافته به ذینفعان؛ تسهیل همکاری و نظارت بر سیاست‌های حمایت اجتماعی ملی؛ ایجاد هم‌افزایی و همکاری بین مداخلات و افزایش کارایی آن‌ها؛ قدرت بخشیدن به سطح محلی، به اجرای خدمات اجتماعی مؤثر کمک می‌کند (جهانشیری، ۱۳۹۹: ۶۱).

روش پژوهش

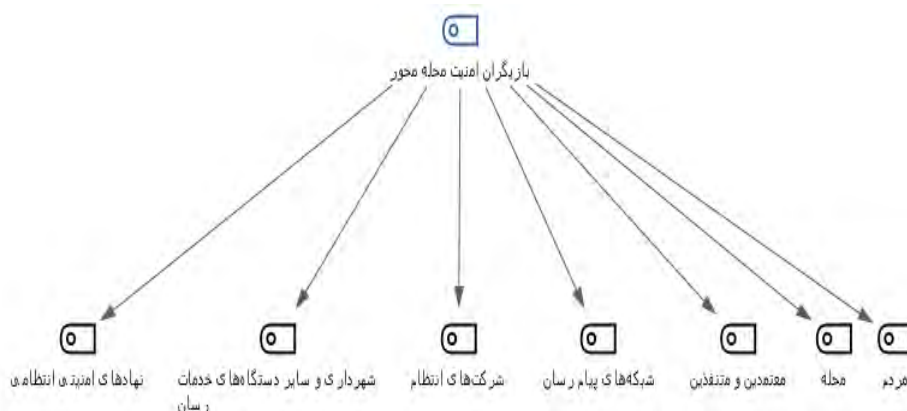
پژوهش کنونی از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی (اکتشافی) و از لحاظ ماهیت، کیفی (با استراتژی تحلیل محتوای کیفی عرفی) است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ۱۵ نفر از خبرگان، اساتید حوزه انتظامی و اجتماعی هستند که به صورت هدفمند تا اشباع نظری انتخاب و در حد اشباع نظری با آنان مصاحبه انجام شده است. برای انجام پژوهش کنونی، ابتدا با تشکیل گروه‌های قانونی مهم‌ترین بازیگران حوزه امنیت محله محور شناسایی و سپس مجموعه‌ای از داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق با خبرگان برای احصاء ابعاد یکپارچه‌سازی کارکرد آن‌ها، گردآوری گردید. برای تأمین روایی از روش ارزیابی لینکلن و گوبا (که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی بوده) و به منظور سنجش پایایی از روش شناسه گذاری و مقایسه استفاده شده است به این صورت که ابتدا از طریق کدگذاری باز و شناسه گذاری محوری، از پیکره داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی مرتبط با موضوع موردبررسی استخراج و سپس از طریق جزء کردن اطلاعات موجود، به شکل‌بندی مقوله‌های اطلاعات درباره موضوع مورد مطالعه، سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته شده است؛ که با حذف موارد تکراری و ادغام کدها، در مجموع ۴ بعد از یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور احصاء گردیدند. همچنین در مصاحبه‌هایی که لازمه جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی هستند، پرسش‌ها و نتایج از نظر روایی و اعتبار بررسی و تأیید گردیده و برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا نسخه ۲۰۲۰ استفاده شده است.

یافته‌ها

آمار مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها به منظور استخراج داده‌ها به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۱. اطلاعات مربوط به مشارکت‌کنندگان

تعداد کل مشارکت‌کننده	خبرگان حوزه انتظامی	خبرگان علمی برون سازمانی
۱۵	۱۱	۴

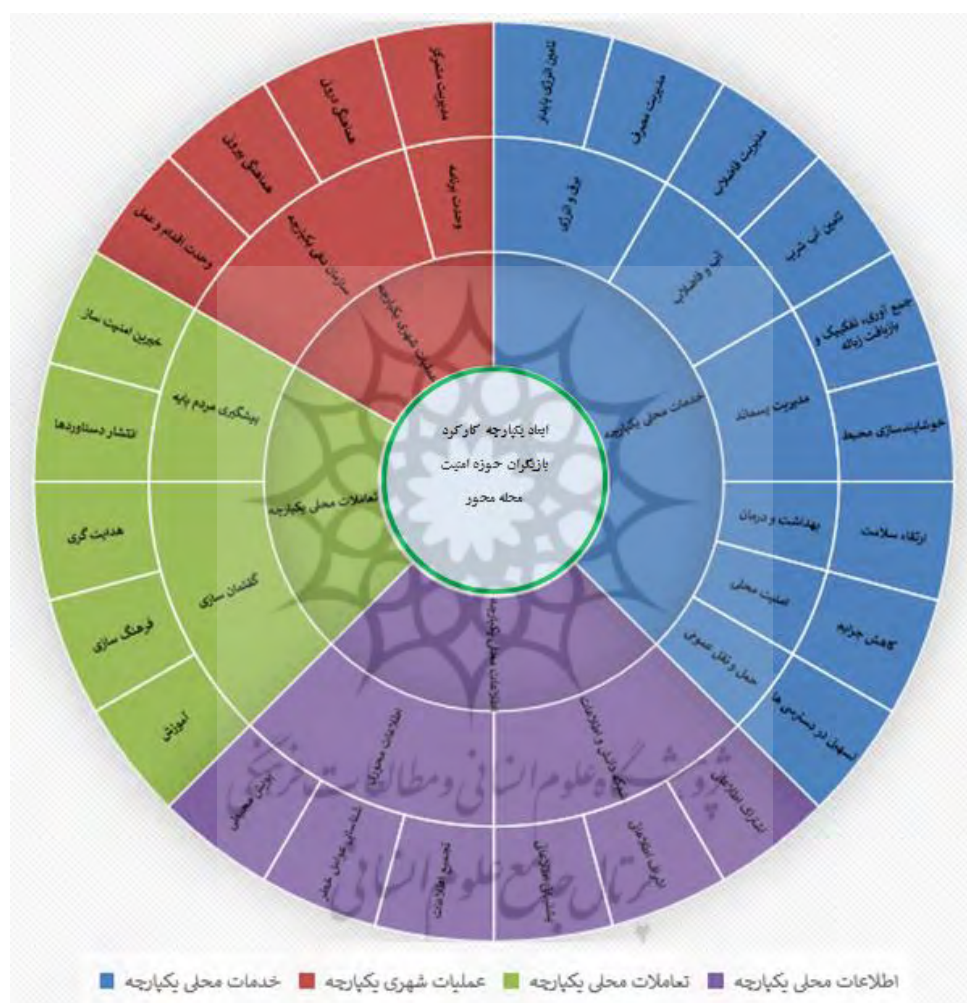


شکل ۳. مهم‌ترین بازیگران حوزه امنیت محله محور

جدول ۲. نتایج کدگذاری باز و گزینشی (یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور)

مصادیق	مهم‌ترین کارکردها (کدهای محوری)	(کدهای اصلی)
خوشایند سازی محیط	مدیریت پسماند	خدمات محلی یکپارچه
جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت زباله		
تأمین آب شرب	مدیریت حوزه آب و فاضلاب	
مدیریت فاضلاب		
تسهیل در دسترسی‌ها	توسعه حمل‌ونقل عمومی	
مدیریت مصرف	مدیریت برق و انرژی	
تأمین انرژی پایدار	امنیت محلی	
کاهش جرائم	بهداشت و درمان	
ارتقاء سلامت	وحدت برنامه	
مدیریت متمرکز	سازمان‌دهی یکپارچه	عملیات شهری (محلی) یکپارچه
هماهنگی درونی		
هماهنگی بیرونی		
وحدت اقدام و عمل		
هدایت‌گری	گفتمان سازی	تعاملات محلی یکپارچه
فرهنگ‌سازی		
آموزش		
خیرین امنیت ساز	پیشگیری مردم پایه	
انتشار دستاوردها		
پوشش محلی	اطلاعات محوری	اطلاعات محلی یکپارچه
شناسایی عوامل خطر		
تجمیع اطلاعات		
پشتیبانی اطلاعاتی	شبکه دانش و اطلاعات	
اشراف اطلاعاتی		
اشتراک اطلاعاتی		

سازمان‌دهی یکپارچه. در حوزه یکپارچه‌سازی تعاملات محلی شامل: گفتمان سازی و پیشگیری مردم پایه. در حوزه اطلاعات محلی یکپارچه شامل: اطلاعات محوری و شبکه دانش و اطلاعات استخراج شدند. لازم به ذکر با توجه به وزن دهی صورت گرفته یکپارچه‌سازی خدمات، یکپارچه‌سازی عملیات‌های شهری (محلی)، یکپارچه‌سازی تعاملات در سطح محله و نیز یکپارچه‌سازی حوزه اطلاعات به ترتیب اولویت قرار گرفته‌اند. به عبارتی در راستای یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور، یکپارچه‌سازی خدمات در سطح محله دارای بیشترین اهمیت می‌باشد و این موضوع ضمن کمک به خوشایند سازی محیط محلات به انسجام‌بخشی فعالیت بازیگران ذی مدخل در افزایش رضایتمندی عمومی نیز بسیار تأثیرگذار است.



کل ۵. بازیگران امنیت محله محور و کارکردها

بحث

می‌توان نتیجه گرفت که «یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محله محور در ابعاد ۴ گانه احصاء شده، ضمن ارتقاء سطح مشارکت عمومی در جهت شناسایی و حل مشکلات و مسائل محله، به بهبود وضعیت عمومی، افزایش تعلق خاطر و همبستگی اجتماعی، کاهش عوامل خطر، افزایش سطح پیوستگی و ارتجاع، توانمندسازی سکنه و نیز افراد آسیب‌پذیر منجر می‌شود؛ که برآیند آن‌ها در رشد و توسعه پایدار محله و نیز سکونتگاه‌های شهری تأثیر بسزایی دارد».

نتایج این پژوهش با یافته‌های ایلاقی حسینی و همکاران (۱۴۰۱) از حیث تأمل بر ابعاد بازتعریف محلات، با یافته‌های قربانی و رضایی (۱۴۰۰) و نیز سرور و همکاران (۱۳۹۹) از جهت پرداختن به مدیریت یکپارچه شهری و احصاء شاخص‌های خدمات‌رسانی یکپارچه در محلات، با یافته‌های ذبیحی و همکاران (۱۳۹۸) در احصاء مؤلفه‌های توسعه شهری یکپارچه، با نتایج تحقیق رابرتسون (۲۰۲۱) مبنی بر ضرورت یکپارچه‌سازی و ادغام خدمات در محلات هم‌راستا بوده و لیکن وجه تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته قبلی، ارائه الگو به‌منظور یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران شناسایی‌شده در حوزه امنیت محلات می‌باشد.

نتیجه‌گیری

خوشایند سازی محیط، جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت زباله، تأمین آب شرب و مدیریت بهینه فاضلاب شهری محلات، تسهیل در دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل عمومی، تأمین برق و انرژی پایدار در کنار مدیریت بهینه مصرف، افزایش سطح امنیت محلات از طریق پیشگیری از وقوع جرائم، کاهش خطر، ارتقاء سلامت و سطح بهداشت عمومی در غالب خدمات محلی یکپارچه از مهم‌ترین شاخص‌های افزایش رضایت‌مندی و جلب مشارکت در محله می‌باشد. به‌عبارتی دیگر وقتی صحبت از امنیت محله محور می‌شود؛ نباید ذهن صرفاً به حوزه‌های انتظامی و امنیتی معطوف گردد. فلذا باید پذیرفت که مهم‌ترین رکن در حوزه امنیت محلات، بهبود زمینه‌های خدمات‌رسانی به اهالی محل در حوزه‌های مختلف اعم از انتظامی و ... می‌باشد؛ که هم‌افزایی و یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران ذی‌مدخل در حوزه محلات به‌منظور ارائه هر چه بهتر این خدمات بسیار حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال هر چند پلیس در راستای پیشگیری از سرقت از قبیل سیم کابل و سایر تجهیزات برق مسئولیت دارد؛ لیکن خود شرکت برق نیز بایستی نسبت به ایمن‌سازی تجهیزات برق در مقابل عملیات سارقین و تقویت آماج‌ها اقدام نماید. این امر ضمن کمک به تأمین انرژی پایدار از بروز نارضایتی‌های عمومی ناشی از قطع مستمر روشنایی برق کاسته و به حوزه کسب‌وکار در محله نیز لطمه نمی‌زند. همچنین مدیریت متمرکز، هماهنگی درونی و هماهنگی بیرونی و نیز وحدت اقدام و عمل از جمله شاخص‌های یکپارچه‌سازی عملیات شهری در سطح محلات می‌باشد؛ که اولویت‌بندی، هماهنگی و رعایت تقدم و تأخر در اجرای طرح‌های توسعه شهری و محلی از الزامات مهم آن است. مثال بارز این بعد یکپارچه‌سازی کارکرد پلیس، شهرداری و سایر دستگاه‌های ذی‌مدخل در ساماندهی معتادین و جمع‌آوری آن‌ها از سطح محلات می‌باشد که تأثیر زیادی در کاهش عوامل خطر و پیشگیری از وقوع انواع جرائم دارد. علاوه بر این، هدایت‌گری، فرهنگ‌سازی، آموزش، مشارکت خیرین امنیت ساز و انتشار دستاوردها به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های یکپارچه‌سازی تعاملات در حوزه امنیت محله محور فهرست شدند. همچنین پوشش محلی، شناسایی عوامل خطر، ایجاد بانک اطلاعاتی از طریق اشتراک و تجمیع اطلاعات، به‌منظور اشراف و پشتیبانی اطلاعاتی، یکی از ارکان مهم موفقیت اجرای برنامه‌های مختلف توسط بازیگران رسمی (به‌خصوص بازیگران حوزه امنیتی انتظامی) در سطح محلات می‌باشد.

پیشنهادهای

- ۱) بازنگری در دستورالعمل امنیت محله و توجه به یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران ذی‌مدخل در ابعاد ۴ گانه با هدایت‌گری پلیس.
- ۲) شناسایی زمینه و بسترهای قانونی و اجرایی یکپارچه‌سازی کارکرد بازیگران حوزه امنیت محلات و مسئول سازی آن‌ها به‌منظور ایفای نقش مؤثر در راستای پیشگیری از جرائم و کاهش عوامل خطر در سطح محلات.

حامی مالی

این اثر حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش

نویسندگان در تمام مراحل و بخش‌های انجام پژوهش سهم برابر داشتند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

تقدیر و تشکر

نویسنده از همه کسانی که در انجام این پژوهش به ما یاری رساندند، به‌ویژه کسانی که کار ارزیابی کیفیت مقالات را انجام دادند، تشکر و قدردانی می‌نماید.

منابع

- اربابی سبزواری، آزاده و علیجانی، رضا. (۱۴۰۱). تبیین جایگاه مدیریت یکپارچه شهری در تحقق مؤلفه‌های حکمروایی خوب. مدیریت کسب‌وکار، ۴(۲)، ۸-۱.
- اعتباریان خوراسگانی، اکبر. (۱۳۸۰). اندیشه سیستمی با تأکید بر نقاط اهرمی. دوماهنامه مدیریت، ۱۰(۵۷)، ۲۳-۴۵.
- امینی، هاجر؛ حکیمی نیا، بهزاد؛ رضانی فر، حدیثه. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی تمرکز مجرمین خاص در برخی محلات شهر اصفهان. فصلنامه دانش انتظامی/اصفهان، ۷(۲۴)، ۲۳-۵۱.
- ایلاقی حسینی، محسن؛ جهان‌بین، نیما و قاسمی، ایرج. (۱۴۰۱). بازتعریف مفهوم محله ایرانی در بافت‌های تازه توسعه‌یافته شهری مبتنی بر نظریه‌های داده بنیاد. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲(۶۴)، ۱۰۰-۱۱۹.
- ایمانیان، زهرا و منوریان، عباس. (۱۳۹۴). حکمرانی شبکه‌ای و بررسی موقعیت و چالش‌های آن در ایران. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. (محمدعلی قاسمی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پور زرگر، محمدرضا؛ مهدوی نژاد، محمدجواد؛ عسگری خوزنکلایی، حسن و عابدینی، حامد. (۱۳۹۹). بازتاب مداخله کالبدی بر شکل‌گیری بی‌سازمانی اجتماعی در پهنه تاریخی شهر تهران نمونه موردی: محله هرنودی. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۸(۳۱)، ۲۵-۱۵۴.
- جهانشیری، جواد. (۱۳۹۹). الگوی راهبردی مدیریت یکپارچه پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری در جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- درویشی، صیاد و میرزاخان، عبدالرحمان. (۱۳۹۴). ارائه راهبردهای پیشگیری از جرم با رویکرد پلیس محله محور. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۸(۲۹)، ۱۲۵-۱۵۶.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۳). درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات تیسرا.

- رضائی، حسین. (۱۳۹۵). نظریه پنجره شکسته و بازخوانی برخی حکایت‌ها و ضرب‌المثل‌ها در ادبیات فارسی. *جامعه پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۷(۴)، ۴۹-۶۲.
- رهنورد، فرج اله. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر عملکرد ادغام سازمان‌ها در بخش دولتی ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۹(۴)، ۱-۱۵.
- سرور، رحیم؛ سبحانی، نوبخت؛ مهری، انوشیروان و اکبری، مجید. (۱۳۹۷). سنجش عوامل مؤثر در پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه شهری در کلان‌شهر تهران. *فصلنامه فضای جغرافیایی*، ۱۸(۶۳)، ۸۷-۱۰۶.
- سرور، رحیم؛ سنایی، سولماز و عزت پناه، بختیار. (۱۳۹۹). ظرفیت‌شناسی تحقق‌پذیری مدیریت یکپارچه شهری با رویکرد آینده‌نگاری (مطالعه موردی کلان‌شهر تهران). *فصلنامه جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)*، ۱۱(۶۴)، ۳۵-۵۴.
- سروستانی، صدیق. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*. (چاپ هفتم). تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، حسین. (۱۳۹۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*. تهران: انتشارات سمت.
- صابر نظر آقا، اکبر. (۱۳۹۷). تأثیر پیشگیری انتظامی محله محور در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی. *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*، ۱۱(۳۵)، ۱۱۶-۱۴۸.
- صدر ارحامی، نفیسه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه حس تعلق به محله و افزایش سرمایه اجتماعی محله محور در پیشگیری از جرم. *پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۳(۸)، ۱-۲۶.
- فیالکوف، یانکن. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهر*. (عبدالحسین نیک گهر، مترجم). تهران: نشر آگه.
- قربانی پارام، محمدرضا و رضایی، محمود. (۱۴۰۰). بررسی افزایش امنیت محله با هوشمندسازی و اولویت‌بندی شاخص‌های آن بر اساس ادراک ساکنین محله سنگلج تهران از حمل‌ونقل. *فصلنامه آسیب‌های اجتماعی کودک و نوجوان*، ۹(۳۴)، ۵۹-۷۶.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۷). *چهره متغیر امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- منصوری، سید امیر. (۱۴۰۱). مرکز هستی‌بخش محله. *نشریه منظر*، ۱۴(۵۸)، ۱-۳.
- نعمتی شمس‌آباد، حسنعلی و معینی، علی. (۱۳۹۴). یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعات بین سازمانی - ارائه مدلی برای شناخت دامنه مسئله یکپارچه‌سازی. *فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات*، ۷(۳)، ۶۷۵-۶۹۶.
- نوروزی، حمید. (۱۳۹۸). *مدیریت بهره‌وری با تکیه بر فرهنگ سازمانی*. تهران: انتشارات به‌آوران.
- ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. (حمیدرضا ملک محمدی، مترجم؛ چاپ پنجم). تهران: بنیاد حقوقی میزان.

References

- Adrin, C. (2015). Information security management - part of the integrated management system. *Acta Universitatis Cibiniensis - Technical Series*, 66.
- Amini, H., Hakiminia, B., & Ramezanifar, H. (2020). Investigating socio-cultural factors of concentration of specific criminals in some neighborhoods of Isfahan. *Isfahan Police Knowledge Quarterly*, 7(24), 23-51. [in persian].
- Arbabi Sabzevari, A., & Alijani, R. (2022). Explaining the position of integrated urban management in realizing good governance components. *Business Management Journal*, 4(2), 1-8. [in persian].
- Bambacus, M. (2019). An evaluation of the cross-sectoral policy. *Viesoji Politika ir Administravimas - Public Policy and Administration*, 14(2), 236-249.

- Buzan, B. (1998). *Mardom, dowalha va haras* (M. A. Ghasemi, Trans.). Pajouheshkadeh-ye motale'at-e rahbordi.
- Buzan, B. (1999). *People, states and fear* (M. A. Ghasemi, Trans.). Strategic Studies Research Institute. [in persian].
- Claesson, A., et al. (2015). Guidance paper on overview of the integrated management system in Managing Urban Europe 25 project. European Commission.
- Darvishi, S., & Mirzakhani, A. R. (2015). Presenting crime prevention strategies with community-oriented policing approach. *Order and Security Journal*, 8(29), 125-156. [in persian].
- E'temadian Khorasgani, A. (2001). Systems thinking with emphasis on leverage points. **Bi-monthly Management Journal*, 10 (57), 23-45. [in persian].
- Fialkoff, Y. (2010). *Sociology of the city* (A. H. Nikgozar, Trans.). Agah Publications. [in persian].
- Fontana, J. (2003). Settlement and integration: A sense of belonging, feeling at home. Standing Committee on Citizenship and Immigration.
- Ghorbani Param, M. R., & Rezaei, M. (2021). Investigating neighborhood security enhancement through smartification and prioritizing its indicators based on residents' perception of transportation in Sangalaj neighborhood, Tehran. *Social Harms of Children and Adolescents Quarterly*, 9(34), 59-76. [in persian].
- Griffith, A. (2000). Integrated management systems: A single management system solution for project control. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 7(3), 38-58.
- Ilaghi Hosseini, M., Jahambin, N., & Ghasemi, I. (2022). Redefining the concept of Iranian neighborhood in newly developed urban contexts based on grounded theories. *Applied Research in Geographical Sciences*, 22(64), 100-119. [in persian].
- Imanian, Z., & Monavarian, A. (2015). *Network governance and examining its position and challenges in Iran*. University of Tehran, Faculty of Management. [in persian].
- Jahanshiri, J. (2020). *Strategic model of integrated management for prevention and confrontation of cyber crimes in Islamic Republic of Iran*. National Defense University. [in persian].
- Karapetrovic, S. (2003). Strategies for the integration of management systems and standards. *The TQM Magazine*, 14(1), 61-70.
- King, V., Boyd, L. M., & Pragg, B. (2018). Parent-adolescent closeness, family belonging, and adolescent well-being across family structures. *Journal of Family Issues*, 39(7), 2007-2036. <https://doi.org/10.1177/0192513X17739048>
- Klijn, E. H., & Koppenjan, J. F. M. (2000). Public management and policy networks: Foundations of a network approach to governance. *Public Management*, 2(2), 135-158.
- Kowitt, S. D., Aiello, A. E., Callahan, L. F., Fisher, E. B., Gottfredson, N. C., Jordan, J. M., & Muessig, K. E. (2020). Associations among neighborhood poverty, perceived neighborhood environment, and depressed mood are mediated by physical activity, perceived individual control, and loneliness. *Health & Place*, 62, 102278. <https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2019.102278>
- Mandel, R. (1998). *The changing face of national security*. Strategic Studies Research Institute.
- Mansouri, S. A. (2022). The core-giving center of the neighborhood. *Manzar Journal*, 14(58), 1-3. [in persian].
- Medeiros, E., & van der Zwet, A. (2020). Evaluating integrated sustainable urban development strategies: A methodological framework applied in Portugal. *European Planning Studies*, 28(3), 563-582.
- Milojevic, B. (2018). Integrated urban planning in theory and practice. [DOI:10.7251/STP1813323M](https://doi.org/10.7251/STP1813323M)
- Nemati Shamsabad, H. A., & Moini, A. (2015). Integration of inter-organizational information systems: Presenting a model for understanding the scope of integration problem. *Information Technology Management Journal*, 7(3), 675-696. [in persian].
- Norouzi, H. (2019). *Productivity management with emphasis on organizational culture*. Beh Avaran Publications. [in persian].

- Pourzargar, M. R., Mahdavinejad, M. J., Asgari Khozankala'i, H., & Abedini, H. (2020). The reflection of physical intervention on the formation of social disorganization in the historical area of Tehran: Case study of Harandi neighborhood. *Police Geographical Journal*, 8(31), 25-54. [in persian].
- Puschmann, T., & Alt, R. (2004). Enterprise application integration systems and architecture - the case of the Robert Bosch Group. *Journal of Enterprise Information Management*, 17(2), 105-116.
- Rahnama, F. (2017). Factors affecting the performance of mergers in Iran's public sector. *Public Management Journal*, 9(4), 1-15. [in persian].
- Rasouli Saniabadi, E. (2014). *An introduction to the most important concepts and terms in international relations*. Tissa Publications. [in persian].
- Rejaän, Z., van der Valk, I. E., & Branje, S. (2021). The role of sense of belonging and family structure in adolescent adjustment. *Journal of Research on Adolescence*, 31(4). <https://doi.org/10.1111/jora.12694>
- Rezaei, H. (2016). Broken windows theory and reinterpretation of some stories and proverbs in Persian literature. *Cultural Sociology*, 7(4), 49-62. [in persian].
- Robertson, H. (2021). Integration of health and social care: A review of literature and models implications for Scotland. Royal College of Nursing Scotland.
- Saber Nazar Agha, A. (2018). The impact of neighborhood-oriented policing prevention on enhancing social security perception. *Tehran Police Knowledge Quarterly*, 11(35), 116-148. [in persian].
- Sadr Arhami, N. (2022). Investigating the relationship between neighborhood attachment and increasing neighborhood-based social capital in crime prevention. *Police Criminological Research*, 3(8), 1-26. [in persian].
- Sampson, R. J., et al. (2023). Neighborhood effects and beyond: Explaining the paradoxes of inequality in the changing American metropolis, 197(6), 1-26.
- Sarvar, R., Sanaei, S., & Ezzatpanah, B. (2020). Capacity assessment for realization of integrated urban management with futures studies approach (Case study: Tehran metropolis). *Geography Journal*, 11(64), 35-54. [in persian].
- Sarvar, R., Sobhani, N., Mehri, A., & Akbari, M. (2018). Measuring effective factors in implementing integrated urban management in Tehran metropolis. *Geographical Space Quarterly*, 18(63), 87-106. [in persian].
- Sarvar, R., Sobhani, N., Mehri, A., & Akbari, M. (2018). Sanjesh-e avamel-e moasser dar piadesazi-ye modiriyat-e yekparche-ye shahri dar kalan-shahr-e Tehran. *Faslname-ye fazaye joqrafiyai*, 18(63), 87-106.
- Sarvastani, S. (2011). *Social pathology (Sociology of deviations)* (7th ed.). SAMT Publications.
- Shach-Pinsly, D. (2018). Measuring security in the built environment: Evaluating urban vulnerability in a human-scale urban form. *Landscape and Urban Planning*, 191, 8-22. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2018.12.008>
- Shakoei, H. (2019). *Didgah-ha-ye nou dar joqrafiya-ye shahri*. Entesharat-e SAMT.
- Shakoei, H. (2020). *New perspectives in urban geography*. SAMT Publications. [in persian].
- Williams, F. P., & McShane, M. D. (2014). *Criminological theories* (5th ed.; H. Malek Mohammadi, Trans.). Mizan Legal Foundation.
- Williams, F. P., & McShane, M. D. (2014). *Criminological theories* (H. R. Malek Mohammadi, Trans.; 5th ed.). Mizan Legal Foundation. [in persian].
- Young, A. F., Russell, A., & Powers, J. R. (2004). The sense of belonging to a neighbourhood: Can it be measured and is it related to health and well being in older women? *Social Science & Medicine*, 59(12), 2627-2637. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2004.05.001>
- Zebihi, H., Abdali, A., & Majedi, H. (2019). [Article title]. *New Approaches in Human Geography*, 12(1), 294-309. [in persian].